«فرهیختگان» منتشر می‌کند

به‌روزرسانی لیست اربابان حقوقی و حقیقی بانکی

صفحه ۱۶

فرهیختگان

روزنامه خبری، تحلیلی، دانشگاهی صبح ایران
صدای نخبگان، نگاه جوانان
۱۶صفحه
۵۰۰۰ تومان

شماره مسلسل ۴۸۵۴
پنجشنبه ۳۰ فروردین ۱۴۰۳
۹ شوال ۱۴۴۵
۱۸ آوریل ۲۰۲۴
شماره ۴۱۱۶

www.Fdn.ir | Thu | 18 Apr 2024 | vol.15 | No. 4116 | 16 Pages

مدیران صداوسیما می‌گویند امکان داشتن مخاطب بالا منتفی است

پاک کردن صورت مساله تحول نیست

۱۲ و ۱۳

انتشار فیلم انهدام لانچر گنبد آهنین در شمال سرزمین‌های اشغالی شوک بزرگی به صهیونیست‌ها وارد کرد

رسوایی ۹۹ درصدی

صفحه ۸

دکتر طهرانچی در افتتاحیه هجدهمین مسابقات بین‌المللی ربوکاپ مطرح کرد

تربیت فناورانه ماحصل حضور جوانان در مسابقات بین‌المللی ربوکاپ آزاد ایران

۶

۹ هزار نخبه ایرانی در قالب پلتفرم «کانکت» پروژه‌های موثری در کشور اجرا کردند

روایت نخبگانِ از فرنگ برگشته

۳،۴،۵

چرا تصمیم اخیر دولت ریشه مشکلات مدارس غیردولتی را حل نمی‌کند

قانون بقای تعارض منافع در مدیران آموزش‌وپرورش

۷

مودی برای تحکیم ناسیونالیسم هندو عطش وصف‌ناپذیری دارد

پایان هندسکولار

یادداشت

سجاد عطازاده
مترجم

هارتوش سینگ بال، سردبیر نشریه کاروان در هند، در مقاله «پایان هند سکولار، عطش مودی برای تحکیم ناسیونالیسم هندو» که در وب سایت فارن افرز منتشر شده، ضمن بحثی تبارشناختی درباره ریشه‌های تفکر هندوگری افراطی حزب حاکم هند، بر این باور است که نارندار مودی، نخست‌وزیر فعلی هند و حزب بی جی پی او به دنبال آن هستند تا با به دست آوردن اکثریت قاطع مجالس قانون‌گذاری هند، زمینه تغییر قانون اساسی این کشور و مسلط نمودن گفتمان «هندتوا» را بر این کشور فراهم کنند؛ اقدامی که نتیجه آن صدمه دیدن هندی‌های مسیحی و به‌ویژه مسلمانان خواهد بود. متن این مقاله را در ادامه می‌خوانید.

در ۱۹ آوریل برگزاری بزرگ‌ترین انتخابات تاریخ هند آغاز خواهد شد. انتظار می‌رود طی ۴۴ روز، بیش از ۵۰۰ میلیون نفر - یا ۶۵ درصد از نزدیک به یک میلیارد واجد شرایط - در این انتخابات شرکت کنند. این انتخابات تماشایی خواهد بود؛ برگه‌های رأی به بیش از ۱۲ زبان چاپ شده و از جزایر تا جوامع کوهستانی دورافتاده توزیع شده‌اند، اما درنتیجه واقعا تردیدی وجود ندارد. انتظار می‌رود نارندرا مودی، نخست‌وزیر فعلی هند و حزب او، بهاراتیا جاناتا (بی جی پی)، برای سومین دوره بر کرسی قدرت تکیه زنند. فاصله حزب بی جی پی با رقبا احتمالا قابل توجه خواهد بود. محبوبیت مودی بالا است و این حزب در همه نظرسنجی‌ها پیشتاز است. با این حال، بی جی پی بسیار افراطی عمل نموده و به هر وسیله ممکن برای سرکوب مخالفان ضعیف خود متوسل شده است. مهم‌ترین اقدام حزب تبدیل «دایره اجرا» - نهادی که برای بررسی جرائم مالی طراحی شده است - به وسیله‌ای برای تعقیب سیاستمداران مخالف بوده است. آخرین و شاید مهم‌ترین هدف این نهاد آرویند کجریوال، سر وزیر دهلی بود که براثر رهبری یک جنبش ضدفساد به شهرت عمومی رسیده بود. او در ماه مارس به اتهام اختلاس دستگیر شد و اکنون دولت خود را از زندان اداره می‌کند.

در نگاه اول، این اقدامات ممکن است تعجب‌آور به نظر برسند، زیرا بی جی پی برای پیروزی مجدد در انتخابات نیازی به زندانی کردن کجریوال یا هر مخالف دیگری ندارد. چنین اقداماتی که جنجال‌های زیادی را به‌وجود آورده، در بهترین حالت بیهوده و در بدترین حالت مخاطره‌آمیز هستند و قمارهای غیرضروری برای حزبی که به‌سوی پیروزی گام برمی‌دارد، به شمار می‌روند. اما بی جی پی مشابه بیشتر احزاب نیست. هدف این حزب فقط کسب پیروزی در انتخابات و تصویب سیاست‌های منفرد نیست و قدرت سیاسی را وسیله‌ای برای رسیدن به هدفی بسیار بزرگ‌تر می‌داند. بی جی پی یک سازمان ملی‌گرای هندوست که در پی بازسازی کامل کشور هند یا ملت هندو است. این حزب قصد دارد تا هندوئیسم را در کانون زندگی عمومی قرار داده و حتی تابعیت کامل هندی را منوط به هندو بودن نماید. بی جی پی حتی قوانینی را وضع کرده که بسیاری از مسلمانان کشور را به بازداشت و اخراج تهدید می‌کند. برای نیل به این تغییرات بزرگ‌تر، بی جی پی باید چیزی بیش از پیروزی در دوره سوم انجام داده و به یک پیروزی بزرگ دست یابد، پیروزی با اکثریتی آنقدر بزرگ که این حزب را قادر سازد تا مخالفان خود را کاملا تحت فشار قرار دهد.

یک قرن در حال ساخت

ناسیونالیسم هندو ممکن است یک ایدئولوژی قدیمی به نظر برسد اما این‌گونه نیست. این ایدئولوژی تنها در دهه ۱۹۲۰ و در آثار فردی به نام وینایاک دامودار ساوارکار شکل گرفته است. فردی که دولت بریتانیا بیش از یک دهه او را به دلیل مخالفت با حکومت استعماری زندانی کرده بود. پس از چندین درخواست برای عفو، ساوارکار در سال ۱۹۲۴ و پس از اعلام وفاداری همیشگی خود به بریتانیا آزاد شد و تا آخر عمر به این سوگند خیانت نکرد. او به جای تحریک مردم علیه استعمار، به عادتی که در زندان پیدا کرده بود پایبند ماند: نوشتن درباره هندوها و مسلمانان به‌گونه‌ای که ضدیت بین دو جامعه مذهبی بزرگ هند را برجسته کند و اختلافات آنها را آشتی‌ناپذیر نماید. ساوارکار یک ملحد بود اما این امر مانعی برای رسالت او به شمار نمی‌رفت. او هندوئیسم یا «هندوتوا» را منبع فرهنگی هویت هند می‌دید. ساوارکار در کتاب خود درباره هندوتوا که در سال ۱۹۲۳ منتشر شده، استدلال کرده که هند باید به ملت هندو تعلق داشته باشد؛ ملتی که شبه‌قاره را هم سرزمین پدری و هم سرزمین مقدس خود می‌دانست. ساوارکار معتقد بود که مسلمانان و مسیحیان نمی‌توانند متعلق به این کشور باشند زیرا «ممکن است هندوستان سرزمین پدری آنها باشد اما برای آنها سرزمین مقدسی نیست.»

ایده‌های ساوارکار به سرعت موردتوجه قرار گرفت. در سال ۱۹۲۵ گروهی از هندوهای متعلق به کاست‌های بالا، سازمانی را به نام Rashtriya Swayamsevak Sangh (آر اس اس) تاسیس کردند؛ سازمانی که هدف آن تاسیس کشوری مطابق تصورات ساوارکار بود. آر اس اس هند را یک کشور منحصرا هندو می‌دید و استدلال می‌کرد که مسیحیان و مسلمانان جایی در آن ندارند. یکی از بنیان‌گذاران این سازمان، به نام کشاو بالیرام هجوار، معتقد بود که مسلمانان «مارهای یاوانا» هستند؛ اصطلاحی برای اشاره به اتباع خارجی. در اوایل دهه ۱۹۳۰، آر اس اس آنقدر قوی شده بود که هیاتی را به ایتالیا برای ملاقات با رهبر این کشور، بنیتو موسولینی و آموزش هنر کادرسازی از سازمان فاشیستی این کشور اعزام نماید. این گروه تحت رهبری ام. اس. گلکار که به‌عنوان جانشین هجوار انتخاب شده بود، حزب موسولینی را الگوی خود قرار داد و نظامی از مراکز آموزشی، مملو از البسه و تمرینات مختلف را ایجاد کرد که اعضا در آن زندگی و تحصیل می‌کردند و آموزش می‌دیدند. گلکار همچنین از دیدگاه‌های فاشیست‌های اروپایی درباره اقلیت‌ها درس گرفت. او در نوشته‌های خود مدعی شد که راه‌حل نهایی پیگیری شده در آلمان، الگویی برای رفتار هند با گروه‌های اقلیت خود به شمار می‌رود (مودی از گلکار به‌عنوان یکی از «راهنماهای» خود یاد کرده است.)

ناگفته پیداست که چنین دیدگاه‌های انحصارطلبانه‌ای حاکی از آن بود که آر اس اس در مبارزات آزادی هند که از حمایت گسترده هندوها و مسلمانان برخوردار بود، مشارکت چندانی نداشت. پس از ترور مهاتما گاندی در سال ۱۹۴۸ توسط یکی از اعضای آر اس اس، این پروژه به حاشیه رانده شد و طبیعتا در مباحث مربوط به انشای قانون اساسی هند که در سال ۱۹۵۰ مورد تصویب قرار گرفت، شرکت نداشت اما در اواخر سال ۱۹۶۶، انتقادات خود را از قانون اساسی به وضوح بیان کرد. گلکار نوشت: قانون اساسی «تنها ترکیبی دست‌وپاگیر و ناهمگون از مواد مختلف قوانین اساسی مختلف کشورهای غربی است و مطلقا چیزی ندارد که بتوان آن را مال خود ما نامید.» اما به‌تدریج این گروه شروع به ورود به سیاست هند کرد و در سال ۱۹۵۱، «جان سانگ» — سلف بی جی پی - را تاسیس کرد که وارد رقابت پارلمانی شده و کرسی‌هایی را هم به دست آورد. اعضای آر اس اس به بخش‌های دیوانسالاری، دانشگاه‌ها و سایر نهادهای برجسته پیوستند. اگرچه آر اس اس هرگز دیدگاه خود را درباره وضعیت مطلوب هند پنهان نکرد اما طیف وسیعی از هواداران آن، گونه‌ای از آنچه را که نویسنده لهستانی-آمریکایی، چسلاو میلوش، از آن به‌عنوان «کتمان» یاد کرده است، انتخاب نمودند. آنها هنجارهای سکولار حاکم بر کشور را علنا پذیرفتند و حتی آنها را تایید می‌کردند و درعین‌حال باورهای واقعی خود را پنهان می‌نمودند.

این راهبرد به جان سانگ اجازه داد تا با گروه‌های سیاسی جریان اصلی، ازجمله گروه‌هایی که خود را سوسیالیست و مترقی می‌نامیدند، همکاری نزدیک داشته باشند. این حزب به‌زودی قدرت را با چنین احزابی در سطح استانی تقسیم کرد. پس از انتخابات ۱۹۷۷ که حزب کنگره ملی هند برای اولین بار از زمان استقلال این کشور از دولت خارج شد، حزب جان سانگ وابسته به آر اس اس برای مدت کوتاهی در قدرت سیاسی حاصل از یک اتحاد متنوع، بخش کوچکی به دست آورد. البته این ائتلاف به‌زودی فروپاشید و جان سانگ از بین رفت اما در سال ۱۹۸۰، آر اس اس یک شاخه سیاسی جدید راه‌اندازی کرد: بی جی پی؛ حزبی که در سال ۱۹۹۸، در انتخابات سراسری مقام اول را کسب کرد و درنتیجه یک سیاستمدار آموزش دیده توسط آر اس اس، به نام آتال بیهاری واجپایی، به نخست‌وزیری هند رسید. در دوران تصدی واجپایی، بی جی پی به دنبال این بود که نگرانی‌های موجود مبنی بر اینکه طبق خواسته‌های اعلام‌شده سازمان مادر خود عمل می‌کند را برطرف نماید. این حزب در آن دوران به خوبی در چهارچوب قانون اساسی عمل کرد، بدون تخلفات ناجوانمردانه در انتخابات دست به رقابت زد و نامزدهایی را انتخاب نمود که مانند آر اس اس، علنا نسبت به قانون اساسی کشور بی اعتنایی نمی‌کردند اما با نگاهی به گذشته، روشن می‌سازد که دلیل تقید واجپایی، اکثریت پارلمانی بود که بی جی پی از آن برخوردار نبود و فلذا مجبور بود تا با گروه‌های معتدل‌تر کار کند. اما زمانی که بی جی پی در سال ۲۰۱۴ با اکثریت پارلمانی و تحت رهبری مودی به قدرت رسید، وضعیت تغییر کرد. این بار نخست‌وزیر یک ناسیونالیست هندو بود که از کودکی داوطلبانه برای آر اس اس کار کرده و تا سال ۱۹۸۵ نیز در قامت یک «پراچاراک» یا سازمان‌دهنده رسمی برای این حزب فعالیت کرده بود. مودی نهایتا به بی جی پی رفته، به‌سرعت پله‌های ترقی را طی نموده و در سال ۲۰۰۱، به‌عنوان سر وزیر ایالت گجرات هند انتخاب گردید. در دوران تصدی او، گروه‌های هندو ۸۰۰ مسلمان را قتل‌عام کردند و این درحالی بود که پلیس زیر نظر دولت مودی عمدتا کنار ایستاده بود. مودی ایدئولوژی آر اس اس را همراه با خود به سطح رهبری ملی نیز برده است. او در طول ۱۰ سال ریاست خود، مسلمانان را به جایگاه درجه دوم در جامعه هند تنزل داده و مثلا قوانینی را تصویب کرده که می‌تواند شهروندی بسیاری از مسلمانان را از آنها سلب کند. حزب او تنها یک نامزد مسلمان را در انتخابات سال ۲۰۲۴ معرفی کرده - البته از ناحیه‌ای که مسلمانان بیش از ۷۰ درصد جمعیت آن را تشکیل می‌دهند - و به این ترتیب گروه‌های مذهبی را از داشتن نماینده در دولت محروم کرده است. ایالت‌های تحت کنترل بی جی پی لوایحی وضع کرده‌اند که ازدواج هندوها و مسلمانان، تغییر دین به اسلام و خرید ملک در مناطق تحت تسلط هندوها برای مسلمانان را بسیار دشوار کرده است. البته بسیاری از مفاد این لوایح بر مسیحیان نیز تاثیر می‌گذارد. هندوها ممکن است ۸۰ درصد جمعیت هند را تشکیل دهند اما تعداد افرادی که تحت تاثیر تبعیض‌های بی جی پی قرار گرفته‌اند، از ۲۰۰ میلیون نفر نیز فراتر می‌رود. این حزب ممکن است بزرگ‌ترین به حاشیه راندن در تاریخ بشر را انجام داده باشد.

هرچه مودی بیشتر در قدرت مانده، تبعیض‌ها نیز بیشتر شده است. از زمان پیروزی مجدد در انتخابات سال ۲۰۱۹، دولت او تغییرات قانونی گسترده‌ای را انجام داده است که زمانی حتی برای ناسیونالیست‌های تندرو نیز متصور نبود. مثلا مودی وضعیت ویژه کشمیر را که زمانی تنها ایالت با اکثریت مسلمان هند بود، لغو کرده است (دولت همچنین این ایالت را به نصف تقسیم کرده و بخش‌های حاصل را به «سرزمین‌های واحد» که توسط دولت فدرال اداره می‌شود، تنزل داده است.) دولت مودی همچنین شاهد ساخت یک معبد هندو بر ویرانه‌های یک مسجد متعلق به قرون‌وسطا که در سال ۱۹۹۲ توسط گروه‌های وابسته به آر اس اس با انتقام‌جویی تخریب شد، بوده است. حتی در ایالت اوتاراکند که تحت کنترل بی جی پی قرار دارد، قانون مدنی اجرا شده که در عین اینکه دسترسی مسلمانان به قوانین خودشان را لغو می‌کند، به هندوها اجازه می‌دهد تا به مقررات مالیاتی خاصی دسترسی داشته باشند که منجر به صرفه‌جویی قابل توجهی برای آنان می‌گردد.

یک کشور جدید

امروزه آر اس اس بیش از هر زمان دیگری به ایجاد کشور مورد نظر خود نزدیک شده اما هنوز اشباع نشده است. با نزدیک شدن به صدمین سالگرد تشکیل، این گروه تمایل دارد کشور هندویی را که به‌طور دوژور و بالقوه ساخته است، تبدیل به یک کشور دوفاکتو کند. اگر مودی برای سومین بار برنده شود، برای نیل به این هدف هر کاری را که بتواند انجام خواهد داد. موفقیت مودی به تعداد اکثریت حزب او بستگی دارد. امروز بی جی پی و متحدانش ۳۴۶ کرسی از ۵۴۳ کرسی مجلس سفلی را در اختیار دارند اما در مجلس علیا اکثریت را در اختیار نداشته و از ۲۴۵ کرسی، ۱۲۲ کرسی متعلق به آنان است. این کرسی‌ها در یک دوره شش‌ساله، توسط مجالس مقننه استانی و نه از طریق رأی‌گیری مستقیم، انتخاب می‌شوند اما بی جی پی تقریبا تا سال ۲۰۲۵ اکثریت مجلس علیا را به دست خواهد آورد و انتظار می‌رود اکثریت خود را در مجلس سفلی نیز حفظ کند. در این شرایط این حزب قادر خواهد بود تغییرات قانونی را که تاکنون به سمت آنها نرفته است، به پیش ببرد. مثلا ممکن است قانون مدنی تصویب شده در اوتاراکند در سراسر هند گسترش یابد. بی جی پی همچنین می‌تواند براساس قوانین موجود نیز عمل کرده و خاصه قانون ثبت‌نام ملی شهروندان را که در سال ۲۰۱۹ اعلام شده بود، به‌طور کامل اجرا کند. دولت ادعا می‌کند این ثبت‌نام شهروندان به آن امکان می‌دهد تا مهاجران غیرقانونی را بازداشت و اخراج کند اما درواقع، این سازوکاری است که دهلی‌نو می‌تواند مسیحیان و مسلمانان را از طریق آن اخراج نماید. اتباع هند برای ثبت‌نام باید با ارائه مدارک خاصی تابعیت خود را ثابت کنند اما در کشوری که به‌سختی می‌توان سوابق هویتی مناسبی را پیدا کرد، بسیاری از افراد قادر به دسترسی به این مدارک نخواهند بود. به‌علاوه در فضای رایج اسلام‌هراسی، به‌راحتی می‌توان مسلمانان را مهاجران غیرقانونی نامید و آنها را تهدید به بازداشت و اخراج کرد.

برای ایجاد تغییرات اساسی دیگر، بی جی پی باید قانون اساسی را تغییر دهد اما این کار بسیار دشوارتر خواهد بود؛ زیرا برای انجام اصلاح در قانون اساسی باید هر یک از دو مجلس این اصلاحات را با آنچه «اکثریت ویژه» نامیده می‌شود، تصویب کند؛ یعنی حداقل دوسوم اعضای هر مجلس باید به این اصلاحات رأی مثبت دهند. این امر بدان معناست که احزاب اپوزیسیون درصورتی‌که حداقل یک‌سوم از هر یک از مجلس‌ها را در دست داشته باشند، می‌توانند مسیر اصلاحیه قوانین اساسی را مسدود کنند؛ بنابراین بی جی پی و متحدانش اگر خواستار تغییر قانون اساسی هند هستند، باید ۳۰ کرسی دیگر در مجلس سفلی و ۴۲ کرسی در مجلس علیا به دست آورند اما اگر این حزب قادر باشد در انتخابات سال ۲۰۲۵ و سپس در انتخابات ایالتی بعدی موفق شود، درنهایت خواهد توانست مقررات و زبان سکولار قانون اساسی را بزداید. آمار مذکور به توضیح اینکه چرا بی جی پی به روش‌های بحث‌برانگیز در این انتخابات متوسل شده کمک می‌کند. برای تکمیل رسالت خود، آر اس اس باید هرگونه مخالفت جدی را از بین ببرد تا جایی که هیچ حزبی نتواند ملی‌گرایان هندو را در انتخابات ایالتی یا فدرال به چالش بکشد. برای انجام این کار، حزب حتی از شیوه‌های خودکامه و غیرلیبرال، ازجمله دستگیری رهبران مخالف مانند کجریوال، استفاده کرده است.

اگرچه چنین اقداماتی بحث‌برانگیز به شمار می‌روند اما دلایلی وجود دارد که ما را متقاعد می‌سازد بی جی پی برای این اقدامات در انتخابات تاوان نخواهد داد. رسانه‌های جمعی به‌طور موثر توسط بی جی پی و وابستگان آن کنترل می‌شوند. این واقعیت تا حد زیادی از رسیدن جزئیات مربوط به سوءاستفاده دولت از قدرت به رأی‌دهندگان عادی جلوگیری کرده است. زمانی هم که این اخبار احیانا پخش می‌شوند، اطلاعات مربوط در گفتمانی بسته‌بندی می‌شود که حاکی از اقدامات سوء اپوزیسیون در گذشته و برنامه‌های شرورانه‌تر آن در آینده باشد.

اپوزیسیون هند نیز برای سرمایه‌گذاری روی هر یک از آسیب‌پذیری‌های بی جی پی تلاش خواهد کرد اما روند انتخابات هند توسط نهادی مورد نظارت قرار می‌گیرد که اکنون توسط بروکرات‌های سابقی اداره می‌شود که توسط دولت انتخاب شده و رفتار آنها در انتخابات اخیر نشان می‌دهد که آنها پیام‌های سیاسی نامطلوب بی جی پی درباره مسلمانان را نادیده خواهند گرفت اما مخالفان را حتی برای تخلفات جزئی مجازات خواهند کرد. مثلا در گذشته تعدادی از قانون‌گذاران را رد صلاحیت کرده‌اند. البته حتی بدون چنین مجازاتی نیز جبهه مخالفان ضعیف خواهد بود. کجریوال در زندان است. رهبر بالفعل کنگره ملی هند - راهول گاندی - به زندان نیفتاده است. البته به اتهام افترا به مودی محکوم شده است اما به حکم دادگاه تجدیدنظر آزاد است اما به‌طور گسترده‌ای بی‌اثر تلقی می‌شود. گاندی که فرزند یک خاندان سیاسی است، سخت تلاش کرده تا وجهه شخصی خود را بهبود بخشد اما قادر نبوده سازمانی را ایجاد کند که بتواند قادر به مقابله با بی جی پی باشد. او در تلاش برای کنشگری فراتر از مبارزات روزمره سیاسی، سیاستمداران دیگری را مسئول بازسازی حزبی که زمانی در سیاست هند غالب بود قرار داده است اما تا زمانی که خود او هم در این میان دخیل باشد، آنها نمی‌توانند از اقتدار واقعی برخوردار گردند. نتیجه یک معضل غیرقابل حل است. بزرگ‌ترین حزب اپوزیسیون هند توسط رهبری اداره می‌شود که نمی‌خواهد آن را رهبری کند اما تنها اوست که قادر به رهبری آن است.

در همین اثنا، بی جی پی بر اسب مراد خود می‌تازد. به نظر می‌رسد که این حزب در انتخابات آینده پیروز خواهد شد؛ بنابراین آنچه در پنج سال آینده حتمی است اقتدارگرایی بیشتر و به حاشیه راندن فزاینده مسلمانان است. اما اگر این حزب بتواند با فاصله زیادی پیروز شود، ممکن است بتواند ساختار سیاسی هند را به‌طور غیرقابل برگشتی بازسازی کند. بنابراین، اختلاف رأی بسیار مهم است؛ زیرا سرنوشت بیش از ۱/۴ میلیارد نفر به این موازنه رأی بستگی دارد.